

توسعه و اعتباریابی چارچوبی برای شناسایی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی

جعفر ترک زاده^{۱*}، سید جواد هاشمی اردکانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۳۰ صص ۳۱۶-۲۹۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۴

چکیده

این پژوهش در پی توسعه و اعتباریابی چارچوبی بومی برای توسعه دانشگاه اسلامی بوده است. روش پژوهش، ترکیبی و از نوع اکتشافی و شامل دو بخش کیفی و کمی بوده است. در بخش کیفی و برای تدوین چارچوب مفهومی توسعه دانشگاه اسلامی، از روش مطالعه موردی و از تکنیک همسوسازی داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری در این بخش شامل مشارکت‌کنندگان بالقوه (مدیران و اعضای هیات علمی خبره و صاحب نظر، با تجربه و با گرایش عقیدتی/ذهنی در رابطه با موضوع اسلامی شدن دانشگاه) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار(تخصص و توسعه) و با در نظر گرفتن بحث اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌های کیفی شامل مصاحبه نیمه ساختمند با آگاهی‌دهندگان کلیدی در حوزه موضوع پژوهش (۲۰ نفر) بودند. در مرحله کمی جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل کلیه‌ی مدیران (۱۷۳ نفر) و اعضای هیات علمی (۲۰۲۱ نفر) دانشگاه‌های استان فارس بودند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به انتخاب نمونه پرداخته شد. نمونه با استفاده از فرمول کوکران شامل تعداد ۱۱۸ نفر از مدیران و ۳۲۵ نفر از اعضای هیات علمی بودند. در این بخش به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. در این پژوهش چارچوبی مشتمل بر سه بعد نهادی، اجرایی و فنی و ۱۶ مؤلفه‌ی به شرح ذیل تدوین گردید: سطح نهادی شامل مؤلفه‌های (تفکر سیستمی، نگرش راهبردی و رویکرد توسعه‌ای، مفهومی، ساختاری و عملکردی، رهبری راهبردی)؛ سطح اجرایی شامل مؤلفه‌های (جهت‌گیری، رویکردهای اصلی، اقدامات توسعه‌ای و تاکیدات ویژه) و سطح فنی شامل مؤلفه‌های (تشخیص-جهت‌گیری، طرح ریزی، اقدام، ارزشیابی و یادگیری) می‌باشد. در مرحله کمی، روایی و پایایی چارچوب توسعه یافته، بررسی و تایید شد. نتایج حاکی از آن است که این چارچوب می‌تواند زمینه را برای شناسایی و تعیین چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی فراهم آورده و به تولید دانش بومی کمک کند.

کلید واژه‌ها: اعتباریابی، توسعه، چارچوب، چالش، دانشگاه، دانشگاه اسلامی.

^۱ - دانشیار بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی. دانشگاه شیراز

* نویسنده مسئول: djt2891@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور سپیدان.

مقدمه

دانشگاه‌ها منبع الهام‌بخش و عامل رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. این سازمان‌های اجتماعی، در عصری که پایه و بنیان آن بر خردورزی و جهل ستیزی قرار دارد، نقش یگانه‌ای در تحقق آرمان‌های بشری همچون عقل‌گرایی، صلح، عدالت و اخلاق دارند (Arasteh and Fazeli Masouleh, 2011). در واقع، دانشگاه‌ها به عنوان عالی‌ترین نهاد آموزشی و تربیتی، نقش مهمی برای گسترش مرزهای دانش، پژوهش و ارائه خدمات عمومی به توده مردم و همچنین توانمند ساختن فرد و جامعه در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و در نهایت پیشرفت و تعالی جامعه بر عهده دارند (Rashidi, 2012). بنابراین دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همچنین برای تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع به وجود آمده اند و در فرایند توسعه کشور نقش اساسی و محوری را ایفا می‌نمایند (Movahedi, Asgari; Chizari, 2011).

توفیق روزافزون انقلاب اسلامی که با رویکردی الهی و معنوی، جهان بینی و نظام ارزشی اسلامی را مبنای شئون گوناگون زندگی خود قرار داده، اقتضا می‌کند که دانشگاه‌هایی متناسب با مبانی و ارزش‌های اسلامی توسعه یابند، توسعه چنین دانشگاه‌هایی هم از سویی به توسعه و ترویج چارچوب‌های علمی در زمینه مبانی فکری و ارزشی انقلاب اسلامی خدمت می‌کند و هم از سویی دیگر می‌تواند از طریق تربیت سرمایه انسانی مبتنی بر اصول و ارزش‌های مذکور، به ترویج و تعمیم ارزش‌های اسلامی و انقلابی در جامعه کمک موثری نماید. خصوصاً این که وظیفه دانشگاه، با توجه به نقش کلیدی آن در توسعه همه جانبه ملی (مبتنی بر سند چشم انداز)، به تولید علم محدود نمی‌شود. در همین راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از وظایف مهم خود را تحول دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش و نفوذ تمدن اسلامی در شئون مختلف جامعه و اعتلای فرهنگ ملی جامعه می‌داند (Zarei Matin & Toureh, 2007)، برای این که دانشگاه‌ها بتوانند به رسالت‌های خود جامه عمل بپوشانند باید به دانشگاه اسلامی تبدیل شوند. دانشگاه اسلامی همچون جامعه اسلامی، جایی است که ارزش‌های حاکم در آن اسلامی باشند و اگر اصول تعبدی و اعتقادی و علمی اسلام در محیط دانشگاه به صورت ارزش درآمد، آن دانشگاه اسلامی است (Alam al-Hoda, 2004).

نکته حائز اهمیت در این خصوص این است که تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی مستلزم بررسی چالش‌های توسعه در آن است تا در عرصه رقابت متأثر از پدیده‌ها و چالش‌های آموزش عالی، بتواند عملکرد مناسبی داشته باشد. بدین منظور در جستجوی انجام شده

توسط محقق به منظور یافتن الگوهایی در رابطه با بررسی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی، الگوهای چندی ارائه شده است که از آن جمله الگوی راهبردی تحقق دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی(ره) قنبری و منافی (2016) (Ghanbari & Manafi)؛ الگوی فرهنگی نظریه دانشگاه اسلامی بر پایه نظریه مبنایی، مهدی (2014) (Mahdi)؛ طراحی الگوی شایستگی دانش آموختگان دانشگاه اسلامی برای خدمت محوری و تامین نیازهای جامعه عباس پور، آقازاده و باقری کراچی (Abbaspour., Aghazadeh & Bagheri Karachi, 2013)؛ رویکرد توصیفی به نشانه‌ها و نمودهای اسلامی بودن مدیریت در دانشگاه Rahmati (2012) and Najafi و طراحی الگوی مفهومی ارزیابی دانشگاه اسلامی با بهره‌گیری از مدل کارت امتیازی متوازن BSC (2009) Feyz , Sharifi & Navid قابل ذکر است. با توجه به آنچه گفته شد و بنا بر ضرورت آشنایی مدیران و اعضای هیات علمی با چپستی، چگونگی و الزامات چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی در این پژوهش تلاش شده تا چارچوبی در این خصوص توسعه و اعتباریابی شود. در مورد پاسخگویی به مساله اصلی و تامین هدف کلی، سوال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

- ۱) چارچوب چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی مشتمل بر چه ابعاد و اجزایی است؟
- ۲) آیا چارچوب تدوین شده بر اساس ابعاد شناسایی شده دارای اعتبار و پایایی است؟
- ۳) آیا چارچوب تدوین شده بر اساس مؤلفه‌های هر یک از ابعاد شناسایی شده، دارای اعتبار و پایایی است؟

پیشینه پژوهش:

در رابطه با موضوع پژوهش تحقیقات چندی صورت پذیرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

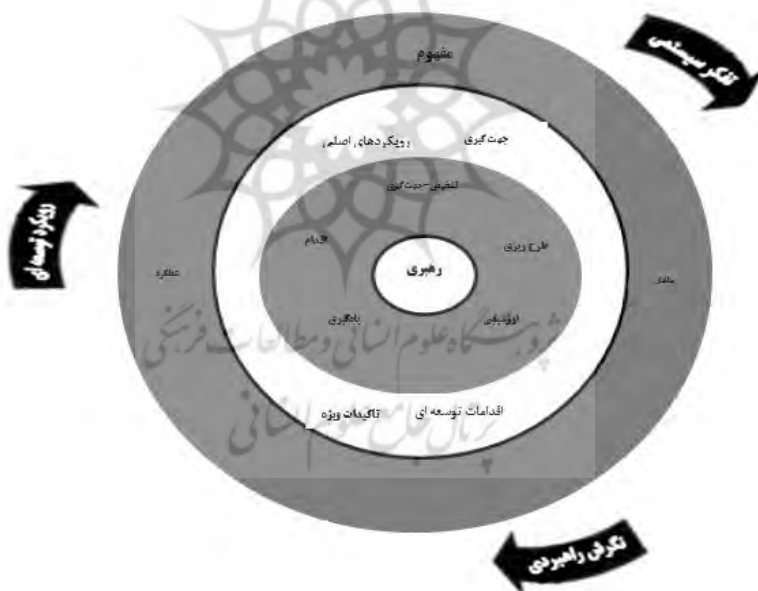
جعفری هفتخوانی (2018) (Jafare Haftkhani) در تحقیق خود با عنوان "مدیریت اسلامی در دانشگاه اسلامی مرجع؛ درآمدی بر رهبری سازمانی حضرت آیت الله مهدوی کنی رحمه‌الله علیه" به این نتیجه دست یافت که موارد زیر از ویژگی‌های رفتاری و اقدام‌های مدیریتی آیت الله مهدوی کنی در راهبری دانشگاه اسلامی است: باور عمیق به ارزش تجربه و کسوت در سطوح سیاست‌گذاری و نظارت عالی؛ پرورش و میدان دادن به دانش آموختگان جوان دانشگاه در سطح اجرا (مدیریت صف و ستاد)؛ الگوی تعاملی رفتارهای برخاسته از محبت؛ جدیت و مسوولیت‌پذیری در کار در عین شوخ طبعی؛ توجه به ویژگی‌های محیط فعالیت دانشگاهی؛ برنامه‌ریزی و آینده‌نگری؛ بسیج سرمایه‌های انسانی؛ هدایت از طریق رهبری و انگیزش؛ هدایت از طریق ارتباطات رسمی، گروهی و میان فردی؛ و

نظارت و کنترل. قنبری و منافی (2016) Ghanbari & Manafi به بررسی "الگوی راهبردی تحقق دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی(ره)" پرداختند. هدف پژوهش تبیین راهبردهای تحقق دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) می‌باشد که به شیوه‌ی سند کاوی با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای به ویژه از طریق تأمل بر مجموعه 22 جلدی صحیفه امام(ره) انجام شده است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، راهبردهای تحقق دانشگاه اسلامی با تأمل بر دیدگاه‌های حضرت امام(ره) عبارتند از: ۱) ایجاد فضای سالم و عاری از فساد، ۲) انسان‌سازی و اخلاق‌مداری، ۳) به‌کارگیری مدیران متعهد و ارزشی، ۴) تربیت نیروهای انسانی متخصص و متعهد، ۵) وحدت حوزه و دانشگاه، ۶) قطع وابستگی به بیگانگان و استقلال کشور، ۷) مسوولیت‌پذیری و اسلامی عمل کردن، ۸) کارآمدی و برقراری ارتباط با جامعه، ۹) تولید و استفاده از متون علمی مناسب و اسلامی و ۱۰) جهت‌گیری توحیدی و معنوی محتوای علوم.

ترک زاده و معینی شهرکی (2015) Torkezadeh & Moimi Shahraki در پژوهش خود "چارچوبی مفهومی برای توسعه دانشگاه اسلامی (نمونه پژوهی دانشگاه علوم انتظامی) پیشنهاد دادند. در این پژوهش، با معرفی، کاربرد و تلفیق سه الگوی برآمده از پژوهش در زمینه توسعه سازمانی دانشگاه، چارچوبی تحت عنوان منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی تدوین و معرفی گردید. منظومه توسعه دانشگاه اسلامی می‌تواند در قالب یک نظام رفتاری اثربخش و در متن رویکردی نظام مند، راهبردی و یادگیرنده، به منظور تواناسازی دانشگاه، برای ایفای رسالت علمی و ملی خود در فضا و فرهنگی اسلامی مدنظر قرار گیرد. در این بین، رهبری نقش مرکزی دارد. این چارچوب می‌تواند مبنای عمل برای تبدیل دانشگاه علوم انتظامی به دانشگاهی اسلامی قرار گیرد. کشتکار و نوروزی (2015) Keshtkar & nooruzi در تحقیق خود با عنوان "الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری مد ظله العالی" به این نتیجه دست یافتند که مدل‌نهایی حرکت به سمت دانشگاه اسلامی مشتمل بر سه محور «دانشجوی انقلابی»، «استاد متقی و عالم» و «اهداف انقلاب اسلامی» است که در بستر هم افزا و تکاملی اهداف، چشم‌انداز و رسالت دانشگاه ارائه گردید.

بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع پژوهش- تا آنجا که نگارندگان بررسی کرده‌اند- نشان داد که تحقیقات انجام شده در زمینه شناسایی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی اغلب بر چارچوب‌ها، مؤلفه‌ها و اصول مبتنی بوده، اما در هیچ یک از تحقیقات صورت گرفته چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی به صورت یک نظام رفتاری منسجم (توجه به تمام اجزا، عناصر و مؤلفه‌های مرتبط) مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. بنابراین ضروری است رویکردی سیستمی و نگرشی جدید در زمینه چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی در

قالب یک نظام جامع عملکردی اثربخش توسعه داده شود. بر این اساس تمرکز این پژوهش بر شناسایی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی مبتنی بر الگوی منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی (Torkzadeh & Moini Shahraki, 2015) می‌باشد. در واقع، این الگو به گونه‌ای است که با تفکری سیستمی و نگرشی راهبردی، رویکردی توسعه‌ای در قلمرو تعاملی خویش اتخاذ می‌کند و توسعه دانشگاه اسلامی را در سطوح و لایه‌های مختلف و مشتمل بر مؤلفه‌های مرتبط در قالب یک منظومه پویا مد نظر قرار می‌دهد. این منظومه در پنج لایه و مشتمل بر ۱۶ مؤلفه که در جریان تعامل مستمر با همدیگر قرار دارند، طراحی شده است (شکل شماره ۱). مؤلفه‌های مذکور بدون توجه به توزیع آن‌ها در لایه‌های ذکر شده عبارتند از: تفکر سیستمی، نگرش راهبردی، رویکرد توسعه‌ای، مفهوم، ساختار، عملکرد، جهت‌گیری، رویکردهای اصلی، اقدامات توسعه‌ای، تأکیدات ویژه، تشخیص-جهت‌گیری، طرح ریزی، اقدام، ارزشیابی، یادگیری و رهبری (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی

(Torkzadeh & Moini Shahraki, 2015)

در ادامه با استفاده از دیدگاه پارسونز (سطوح نهادی، اجرایی و فنی)، الگوی منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی (Torkzadeh & Moini Shahraki, 2015) توسعه داده شده است (شکل شماره ۲). نکته حائز اهمیت در این راستا این است که به منظور تحقق و توسعه

دانشگاه اسلامی می‌بایست ضمن شناسایی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی، عوامل موثر در این خصوص شناسایی و مد نظر قرار گیرد. مطابق با چارچوب تدوین شده (شکل شماره ۳) متغیرهای مختلفی در قالب نهادی، اجرایی و فنی بر تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی تأثیر می‌گذارند، برخی مؤلفه‌های ذکر شده در منظومه مذکور (تفکر سیستمی، نگرش راهبردی و رویکرد توسعه ای) ماهیت زمینه ای و نگرشی دارند، بدین معنا که این عوامل به عنوان عواملی هستند که وجود آن‌ها جزء الزامات و شرایط توسعه و تحقق دانشگاهی محسوب می‌شوند. از منظر سیستمی می‌توان گفت که تغییر و تحول در سیستم پویای دانشگاه و توسعه متعادل و نظام مند دانشگاه، نیازمند تفکری آینده نگر، عمل برنامه ریزی و سازگاری با محیط درون و بیرونی دانشگاه، به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه است. در واقع در محیط پر تحول و غیر قابل پیش‌بینی تفکر راهبردی، رویکردی مناسب برای شکل - دهی به راهبرد سازمان به حساب می‌آید. رویکرد راهبردی مدیر را قادر می‌سازد تا بفهمد چه عواملی در دستیابی به اهداف مورد نظر مؤثر است و کدام یک مؤثر نیست و چرا و چگونه عوامل مؤثر برای ارباب رجوع ارزش می‌آفرینند؟ چرا که بصیرت ایجاد شده از طریق رویکرد راهبردی به تشخیص عوامل حیاتی موفقیت کمک می‌کند و این امر در نهایت منجر به ایجاد مزیت رقابتی پایداری و در نتیجه توسعه برای سازمان‌ها می‌شود. یعقوبی، نورمحمدی و احمدنیا چنیجانی (2014, yaghubi, Noor Mohammad & Ahmadnia Chnehani). بر این اساس، توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی مستلزم توجه به سیستمی متشکل از سه بُعد "مفهومی، ساختاری و عملکردی" است. این سه بعد در متن رویکردی راهبردی مبنای اقدام برای توسعه دانشگاه اسلامی قرار می‌گیرد (Torkzadeh & Moini Shahraki, 2015). در واقع این ابعاد می‌توانند در متن یک رویکرد راهبردی و با یک رهبری مناسب به مثابه الگوی سیستمی توسعه سیستم‌های رفتاری، زمینه تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی را فراهم کنند.

ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های ذکر شده هریک بستری برای تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی فراهم می‌آورند. اما نکته حائز اهمیت در این راستا پی بردن به این نکته است که مؤلفه‌های مذکور دارای روابط متقابلی هستند و هر یک به نحوی با بقیه در ارتباط است به گونه ای که هر گونه خلل و ناهماهنگی در هریک از مؤلفه‌ها، خلل و ناهماهنگی را در سایر مؤلفه‌ها در پی خواهد داشت و در نهایت مانع تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی می‌گردد. یکی دیگر از سطوح ارائه شد طبق نظریه پارسونز، سطح اجرایی، است که شامل مؤلفه‌های جهت گیری، رویکردهای اصلی، اقدامات توسعه ای و تاکیدات ویژه است. در این زمینه می‌توان گفت ابعاد یاد شده در تعامل سیستمی با همدیگر منظومه موفقیت آمیز تلاش‌های

توسعه سازمانی در دانشگاه را تشکیل می‌دهند. این منظومه می‌تواند به عنوان یک چهارچوب، راهنمای تفکر و اقدام برای تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی قرار گیرند. از طرف دیگر برخی مولفه‌های ذکر شده در منظومه مذکور (تشخیص- جهت‌گیری، طرح‌ریزی، اقدام، ارزشیابی و یادگیری) را می‌توان در سطح فنی جای داد. در این زمینه می‌توان گفت که جریان توسعه دانشگاه اسلامی می‌تواند با حمایت و مشارکت معنادار مدیران ارشد دانشگاهی و مبتنی بر تشخیص- جهت‌گیری درست وضعیت صورت‌پذیرد و به طراحی و اجرای اقدامات توسعه‌ای سازنده و کارآمدی در خصوص توسعه دانشگاه اسلامی بینجامد؛ البته در یک چارچوب سیستمی، یادگیرنده و مبتنی بر رویکرد راهبردی تعبیه گردد. در این نگاه، توسعه سازمانی برای رسیدن به ارزش مورد نظر باید کارکردهای تشخیص، طرح‌ریزی، حرکت به سمت موقعیت مورد نظر، ارزشیابی و افزایش توانمندی یادگیری دانشگاه را با کیفیتی مطلوب به انجام برساند (Torkzadeh and Moini Shahraki, 2015).

نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که تحقق موارد پیش‌گفته و پاسخگویی به محیط از آن طریق، بدون رهبری موثر، میسر نمی‌شود. همچنان که در شکل مشاهده می‌شود، هسته مرکزی نظام رفتاری مورد بحث، رهبری است. رهبری مستلزم توانایی هماهنگی و یکپارچگی محیط داخلی و خارجی سازمان و مدیریت فرآیندهای اطلاعاتی پیچیده است (Fourie & Jooste, 2009) چرا که این رهبران نیاز دارند که بر منابع حیاتی که به احتمال بیشتری می‌تواند در اطمینان از موفقیت پایدار آتی تفاوت ایجاد کند، تمرکز کنند (2008, Crossan, Vera & Nanjad). در این مورد آنچه می‌بایست مد نظر قرار گیرد این است که شناسایی موانع و چالش‌های دانشگاه اسلامی زمینه را برای رفع آن‌ها آماده می‌کند، به اقدامات توسعه‌ای جهت می‌دهد و نیز آمادگی لازم برای دستیابی به توسعه دانشگاه اسلامی (اسلامی شدن دانشگاهها) را فراهم می‌کند. از طرفی این پژوهش می‌تواند به تولید دانش بومی، توسعه دانشگاهی به طور عام و توسعه دانشگاه اسلامی به طور خاص کمک کند و از این جهت به شکل‌گیری و تعامل بین دانش بومی در بین اقدامات مذکور کمک‌منجر شود. بنابراین ضروری است که مدیران و مسئولان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به اطلاعاتی پیرامون چیستی و چگونگی چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی در قالب یک نظام سیستمی اثربخش دسترسی داشته باشند تا زمینه تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی را فراهم آورند.

ج) روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نظر طرح، جزء طرح های توسعه ای و از نظر روش، جزء پژوهش های ترکیبی از نوع اکتشافی که در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی و برای تدوین چارچوب مفهومی توسعه دانشگاه اسلامی، از روش مطالعه موردی کیفی با استفاده از تکنیک همسوسازی داده ها مشتمل بر سه ضلع الف) جمع آوری اطلاعات مبانی نظری، اصول زیربنایی مربوط به متغیر پژوهش ب) تحقیقات انجام شده در حوزه دانشگاه اسلامی و ج) نظرات آگاهی دهندگان کلیدی استفاده شده است. در بخش کیفی مشارکت-کنندگان بالقوه این پژوهش شامل مدیران و اعضای هیات علمی خبره و صاحب نظر، با تجربه و با گرایش عقیدتی/ذهنی در رابطه با موضوع اسلامی شدن دانشگاه (۲۰ نفر که از این تعداد ۱۲ نفر مرد و ۸ نفر زن) بودند که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند از نوع معیار(تخصص و توسعه) و با در نظر گرفتن بحث اشباع نظری^۱ انتخاب شده اند. ابزار جمع-آوری داده های کیفی شامل مصاحبه نیمه ساختمند با آگاهی دهندگان کلیدی در حوزه موضوع پژوهش (شناسایی چالش های توسعه و تحقق دانشگاه اسلامی) بودند. در این پژوهش به منظور محاسبه اعتبار اطلاعات این بخش از پژوهش از معیار اعتبارسنجی کیفی قابل قبول بودن^۲ (استفاده از روش همسوسازی داده ها، با جمع آوری داده های کافی از منابع متعدد مانند خبرگان، منابع و مستندات علمی و پژوهشی، پیشینه نظری و پژوهشی، خودبازبینی محقق و کنترل اعضای شرکت کننده در پژوهش) استفاده شد. در مرحله کمی، جامعه آماری پژوهش، شامل همه مدیران (۱۷۳ نفر) و اعضای هیات علمی (۲۰۲۱ نفر) دانشگاه های استان فارس انتخاب شدند که با استفاده از نمونه گیری تصادفی طبقه ای به انتخاب نمونه پرداخته شد. نمونه با استفاده از فرمول کوکران شامل تعداد ۱۱۸ نفر از مدیران (۸۷ نفر مرد و ۳۱ نفر زن) و ۳۲۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه ها(دولتی، آزاد اسلامی، پیام نور و علمی کاربردی در استان فارس) (۱۹۴ مرد و ۱۳۱ نفر زن) بودند(جدول شماره ۱). در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر سه بعد نهادی، اجرایی و فنی استفاده گردید. این پرسشنامه بر مبنای چارچوب حاصل از همسوسازی مولفه های مستخرج از الگوی منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی (Torkzadeh & Moini Shahraki, 2015)، نتایج مصاحبه به عمل آمده با آگاهی دهندگان کلیدی، مبانی نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با موضوع، تدوین گردیده است.

^۱. Theoretical Saturation

^۲. Credibility

جدول شماره ۱: جامعه و نمونه آماری پژوهش

نمونه	جامعه	نام دانشگاه	گروه
۴۰	۵۹	دولتی	مدیران
۲۵	۳۷	آزاد اسلامی	
۲۹	۴۲	پیام نور	
۲۴	۳۵	علمی - کاربردی	
۱۱۸	۱۷۳	جمع کل	
۲۷۹	۱۷۴۱	دولتی	اعضای هیات علمی
۲۷	۱۶۲	آزاد اسلامی	
۱۹	۱۱۸	پیام نور	
۳۲۵	۲۰۲۱	جمع کل	

یافته های پژوهش:

پرسش اول: چارچوب چالش های توسعه دانشگاه اسلامی مشتمل بر چه ابعاد و

اجزایی است؟

به منظور شناسایی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی، با اقتباس از الگوی منظومه پویای توسعه دانشگاه اسلامی (2015) Torkezadeh & Moini Shahraki مولفه ها را مبنا قرار داده و با مطالعه مبانی نظری و سوابق پژوهشی مرتبط و نیز مصاحبه با صاحب نظران، مفاهیم معرف مولفه ها شناسایی و در نهایت از جمع بندی نتایج حاصل چارچوب اولیه چالش های توسعه دانشگاه اسلامی به صورتی بدیع و مشتمل بر سه بعد کلی نهادی، فنی و اجرایی با مؤلفه ها و شاخص های پیشنهادی مربوط شکل گرفت. در واقع، این الگو به گونه ای است که با تفکری سیستمی و نگرشی راهبردی، رویکردی توسعه ای در قلمرو تعاملی خویش اتخاذ می کند و توسعه دانشگاه اسلامی را در سطوح و لایه های مختلف و مشتمل بر مولفه های مرتبط در قالب یک منظومه پویا مد نظر قرار می دهد. این منظومه در پنج لایه و مشتمل بر ۱۶ مولفه که در جریان تعامل مستمر با همدیگر قرار دارند، طراحی شده است (جدول شماره ۲). مولفه های مذکور بدون توجه به توزیع آن ها در لایه های ذکر شده عبارتند از: تفکر سیستمی، نگرش راهبردی، رویکرد توسعه ای، مفهوم، ساختار، عملکرد، جهت گیری، رویکردهای اصلی، اقدامات توسعه ای، تاکیدات ویژه، تشخیص-جهت گیری، طرح ریزی، اقدام، ارزشیابی، یادگیری و رهبری.

جدول ۲، چارچوب مفهومی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی را نشان می دهد.

مفاهیم	مولفه ها	سطح
<ul style="list-style-type: none"> ارتباطات متقابل، بازخورد، کل گرایی، پویایی 	تفکر سیستمی	نهادی
<ul style="list-style-type: none"> آینده محوری، چشم انداز سیستمی، هماهنگی پویا، همه جانبه نگری، تمرکز بر تحقق اهداف در محیط رقابتی 	نگرش راهبردی	
<ul style="list-style-type: none"> تحول پذیری مستمر، توانمندسازی سازمانی، خود نوسازی، پاسخگویی به محیط، نگرش برنامه ای 	رویکرد توسعه ای	
<ul style="list-style-type: none"> مفهوم و ماهیت کلی دانشگاه اسلامی، هدفهای غایی و واسطه ای دانشگاه اسلامی، حوزه تمرکز، قلمرو فعالیت های توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی، رویکردهای توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی، ارزشهای اساسی و کارکردی توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی، ملاحظات توسعه دانشگاه اسلامی، ضرورتهای اثربخشی توسعه سازمانی در دانشگاه اسلامی، ملاحظات اثربخشی توسعه سازمانی در دانشگاه اسلامی 	بعد مفهومی	
<ul style="list-style-type: none"> جهت گیری راهبردی، طرح سازمانی، بستر فرهنگی 	بعد ساختاری	
<ul style="list-style-type: none"> فعالیت های مرکزی، اقدامات زمینه ساز و پشتیبان، ملاحظات عملکردی 	بعد عملکردی	
<ul style="list-style-type: none"> فعالیت در محیط رقابتی، تفکر راهبردی، چشم انداز راهبردی، تحلیل محیط راهبردی، ارتباطات راهبردی، تصمیم گیری راهبردی، مدیریت محیط تعاملی، سازواری، تشخیص- جهت گیری راهبردی 	رهبری راهبردی	
<ul style="list-style-type: none"> توسعه و توانمندسازی، مدیریت دانش، 	جهت گیری	

اجرایی	عملی	توسعه و تکامل فرایندها، توسعه سرمایه انسانی، مدیریت بهره وری
	رویکردهای اصلی	<ul style="list-style-type: none"> مبتنی بر ارزش (مدیریت ارزش)، سیستمی، راهبردی، محیط محوری، پژوهش محوری، یادگیری
	اقدامات توسعه ای	<ul style="list-style-type: none"> تشخیص - جهت گیری، بهره وری، طرح ریزی راهبردی، جلب مشارکت عمومی، تغییر ساختار سازمانی، توسعه چشم انداز مشترک، ارزیابی کیفیت عملکرد، انگیزش، آموزش و بهسازی سرمایه انسانی، تعاملات ویژه با محیط، مفهوم سازی مشترک، بازخوردگیری، توسعه زیر سیستم های پشتیبان، تیم سازی، بهسازی جو سازمانی، توانمندسازی افراد و گروه ها، بهسازی مدیریت و رهبری، توسعه فرهنگ سازمانی
	تاکیدات ویژه	<ul style="list-style-type: none"> حمایت رهبری دانشگاه، باور به تغییر مستمر برای نیل به موفقیت، عمل گرایی، کار تیمی، مفهوم سازی مشترک دست اندرکاران از ماهیت کار، اتکا به قوت های درونی دانشگاه، حمایت و مسئولیت مستقیم مدیریت ارشد دانشگاه برای توسعه سازمانی، مهارت های رهبری دانشگاه برای پیشبرد توسعه سازمانی، نوآوری و بهبود مستمر
فنی	تشخیص - جهت گیری	<ul style="list-style-type: none"> پویش، کاوش و بازنمایی و تحلیل مستمر شرایط حال و آینده محیط و سیستم آموزش عالی و تحلیل سیستمی آن، درک و پیش بینی شرایط حال و آینده، کسب بینش های جدید در زمینه تشخیص صحیح موقعیت، تصویر سازی آینده مطلوب
	طرح ریزی	<ul style="list-style-type: none"> خلاقانه و سیستماتیک، تحقق چشم انداز،

		<p>ماموریت، اهداف و راهبردها، بررسی و تحلیل محیط درونی و بیرونی، اتخاذ موضع و مسیر راهبردی، تعیین اقدامات اثربخش به منظور بهبود مستمر وضعیت و تواناسازی راهبردی دانشگاه اسلامی، تدوین برنامه های منسجم</p>
	اقدام	<p>■ پشتیبانی مناسب اقدامات مرتبط با توسعه دانشگاه اسلامی، تناسب و کیفیت اقدامات معمول، تناسب زمانی- مکانی اقدامات، بستر سازی فرهنگی، ساختاری و انگیزش برای نهادینه سازی دانشگاه اسلامی، تامین منابع لازم برای اقدام، مشخص بودن مسئولیت مراجع مختلف در قبال اقدامات توسعه ای، روشنی و کفایت شاخص ها و معیارهای اقدام، کیفیت اجرای اقدامات</p>
	ارزشیابی	<p>■ بررسی درجه کارایی فنی و قابلیت های عملی تصمیم های اتخاذ شده، بررسی میزان تطابق تصمیم ها با رسالت ها و ارزش های دانشگاه و شرایط واقعی آن، قضاوت در رابطه با ارزش و اهمیت برنامه، بررسی میزان مشروعیت و مقبولیت تصمیم های اتخاذ شده، شناسایی تاثیرات برنامه</p>
	یادگیری	<p>■ تفسیر اطلاعات، کسب دانش، توسعه دانش، کاربرد دانش، بهبود شایستگی</p>

پرسش دوم: آیا چارچوب تدوین شده بر اساس ابعاد شناسایی شده دارای اعتبار و پایایی می باشد؟

به منظور پاسخ به سؤال ۲ پژوهش، پرسشنامه در اختیار اساتید و مدیران قرار گرفت و سپس جهت سنجش روایی از تحلیل گویه و تحلیل عامل تأییدی و جهت سنجش پایایی آن نیز از روش استفاده آلفای کرونباخ استفاده شد.

الف) تحلیل گویه و آلفای کرونباخ

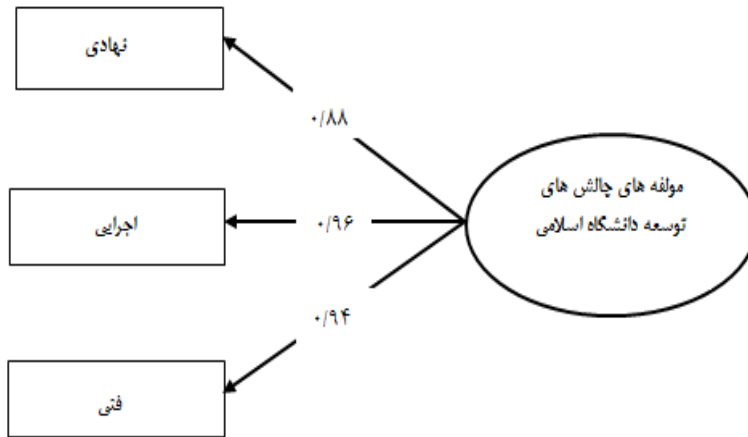
روایی و پایایی هر یک از چالش های توسعه دانشگاه اسلامی با استفاده از روش تحلیل گویه و آلفای کرونباخ محاسبه شد. به این ترتیب با توجه به ضرائب همبستگی به دست آمده، هم چنین سطح معناداری محاسبه شده نشان می دهد هر سه بعد الگو از روایی مطلوبی برخوردار هستند و مقادیر آلفای کرونباخ نیز موید پایایی نسبتاً بالای هر سه بعد الگوست. جدول شماره ۳، مقادیر روایی و پایایی ابعاد چارچوب تدوین شده را نشان می دهد.

جدول شماره ۳: روایی و پایایی ابعاد چالش های توسعه دانشگاه اسلامی

آلفای کرونباخ	سطح معناداری	ضرائب	طیف همبستگی	ابعاد	
۰/۹۴	-۰/۰۰۰۱ ۰/۰۴		۰/۳۰-۰/۸۱	نهادی	چالش های توسعه دانشگاه اسلامی
۰/۸۷	-۰/۰۰۰۱ ۰/۰۱		۰/۵۴-۰/۷۸	اجرایی	
۰/۸۶	-۰/۰۰۰۱ ۰/۰۰۱		۰/۴۸-۰/۷۸	فنی	

ب) تحلیل عامل تأییدی

نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که هر کدام از مولفه ها الگو از روایی بالایی برای برخوردارند. به این ترتیب بعد اجرایی با بارعاملی ۰/۹۶، بعد فنی با بارعاملی ۰/۹۴ و نهادی نیز با بارعاملی ۰/۸۸ دارای بیشترین تا کمترین بار عاملی است. شکل شماره ۱، بار عاملی مولفه های سه گانه چالش های توسعه دانشگاه اسلامی را نشان می دهد.



شکل شماره ۱: بار عاملی مؤلفه های سه گانه چالش های توسعه دانشگاه اسلامی

پرسش سوم: آیا چارچوب تدوین شده بر اساس مؤلفه های هر یک از ابعاد شناسایی شده، دارای اعتبار و پایایی است؟ به منظور پاسخ به سؤال ۳ پژوهش، جهت سنجش روایی از تحلیل گویه و تحلیل عامل تأییدی و جهت سنجش پایایی آن نیز از روش استفاده آلفای کرونباخ استفاده شد.

الف) تحلیل گویه و آلفای کرونباخ

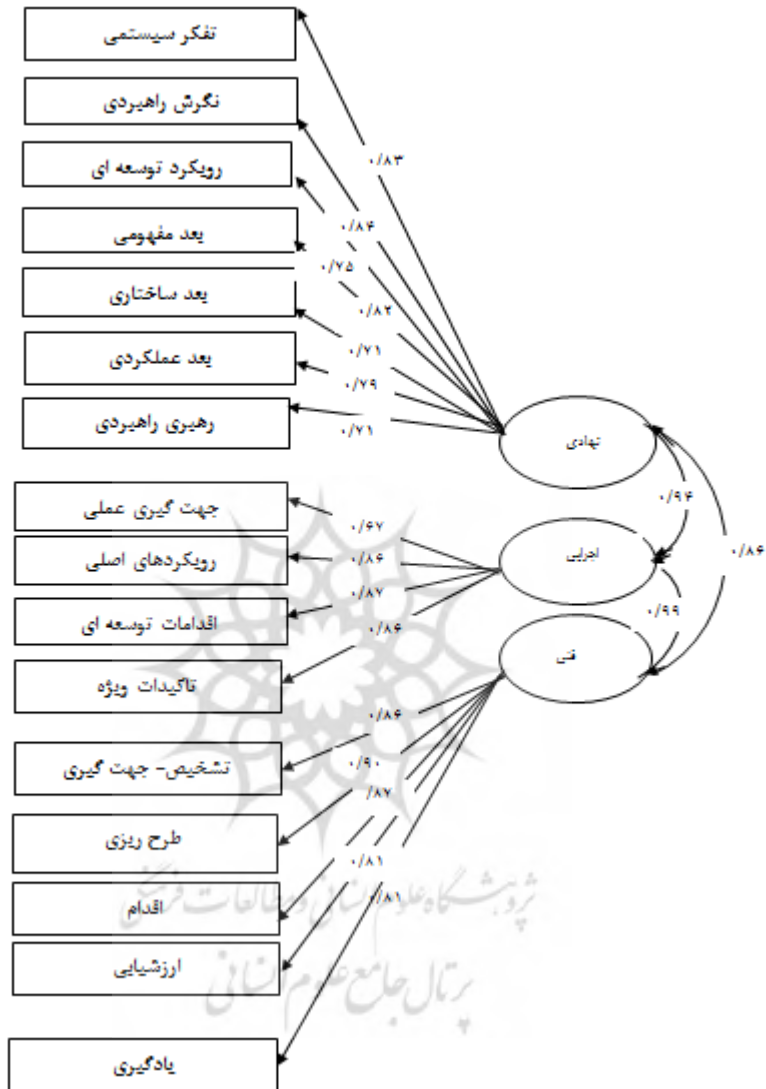
روایی و پایایی هر یک از مؤلفه های چالش های توسعه دانشگاه اسلامی با استفاده از روش تحلیل گویه و آلفای کرونباخ محاسبه شد. مطابق با نتایج گزارش شده در جدول شماره ۴، روایی هر یک از مؤلفه های سه بعد سطوح نهادی، اجرایی و فنی با استفاده از روش تحلیل گویه محاسبه شد و با توجه ضریب همبستگی بدست آمده هر یک از مؤلفه ها از روایی بالایی برخوردارند. هم چنین به منظور سنجش پایایی مؤلفه های هر یک از ابعاد نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان می دهد هر یک از مؤلفه ها از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار هستند.

جدول شماره ۴: روایی و پایایی مؤلفه های چالش های توسعه دانشگاه اسلامی

ابعاد	مؤلفه ها	طیف ضرائب همبستگی	سطح معناداری	آلفای کرونباخ
	تفکر سیستمی	۰/۶۳-۰/۷۷	۰/۰۰۰۱	۰/۷۱

۰/۹۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۸-۰/۸۵	نگرش راهبردی	نهادی
۰/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۷۰-۰/۸۱	رویکرد توسعه‌ای	
۰/۸۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲-۰/۷۷	بعد مفهومی	
۰/۷۸	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱-۰/۷۶	بعد ساختاری	
۰/۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳-۰/۷۸	بعد عملکردی	
۰/۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۶-۰/۷۸	رهبری راهبردی	اجرایی
۰/۷۰	۰/۰۰۰۱	۰/۵۴-۰/۷۱	جهت‌گیری عملی	
۰/۸۲	۰/۰۰۰۱	۰/۷۰-۰/۸۴	رویکردهای اصلی	
۰/۸۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱-۰/۷۳	اقدامات توسعه‌ای	
۰/۸۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۲-۰/۸۶	تاکیدات ویژه	فنی
۰/۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹-۰/۹۱	تشخیص-جهت‌گیری	
۰/۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۶۳-۰/۷۷	طرح ریزی	
۰/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۸-۰/۸۵	اقدام	
۰/۸۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹-۰/۷۲	ارزشیابی	
۰/۷۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۰-۰/۸۳	یادگیری	

ب) تحلیل عامل تأییدی: نتایج به دست آمده از تحلیل عامل تأییدی نشان داد در بعد نهادی قدرت تبیین مؤلفه‌ها معنادار است که به ترتیب نزولی عبارتند از: نگرش راهبردی (۰/۸۴)، تفکر سیستمی (۰/۸۳)، بعد مفهومی (۰/۸۲)، بعد عملکردی (۰/۷۹)، رویکرد توسعه‌ای (۰/۷۵)، بعد ساختاری (۰/۷۱) و رهبری راهبردی (۰/۷۱) در بعد اجرایی، مؤلفه‌های اقدامات توسعه‌ای (۰/۸۷)، رویکردهای اصلی (۰/۸۶) و تاکیدات ویژه (۰/۸۶) و جهت‌گیری عملی (۰/۶۷) به ترتیب تبیین‌کننده معنادار این بعد می‌باشند. در بعد فنی نیز مؤلفه‌های طرح ریزی (۰/۹۰)، اقدام (۰/۸۷)، تشخیص - جهت‌گیری (۰/۸۶)، ارزشیابی (۰/۸۱) و یادگیری (۰/۸۱) به ترتیب تبیین‌کننده معنادار برای این بعد هستند. شکل ۲، بار عاملی مؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های چارچوب چالش‌های توسعه دانشگاه اسلامی را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: بار عاملی مؤلفه‌های ابعاد سه گانه چالش های توسعه دانشگاه اسلامی

یکی از شرایط مهم برای ساختن آینده مطلوب کشور، تحقق دانشگاه اسلامی است؛ البته نه با آن ماهیتی که برخی از افراد با محدودنگری درک کرده‌اند. دانشگاه عهده‌دار تولید و گسترش علم و پایه همه قدرتهای اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی، علم است. با اقتدار علمی می‌توان سیاست برتر را در دنیا اتخاذ کرد؛ هم چنان که علم می‌تواند به غلبه اقتصادی

نیز بینجامد (Amini & Ghorbani Zadeh, 2015). حال اینکه نقش اسلامی- ایرانی در دانشگاه‌های ما این است که آموزش عالی هر جامعه‌ای نمی‌تواند جدا از فرهنگ و سابقه تمدنی و مکتب و سنت علمی آن باشد و به رشد برسد. دانشگاه باید جهان‌بینی و قالب‌های فکری جامعه را درک کرده، در برقراری ارتباط و سازگاری با آن بکوشد. نظام آموزشی دانشگاهی هر جامعه در ارتباط تنگاتنگ با حوزه فرهنگی و تمدنی آن جامعه قرار دارد. بنابراین، می‌بایست به دانشگاه بر اساس مبانی فکری و اعتقادی اسلام و حوزه فرهنگ و تمدنی ایرانی نگاه شود (Imani & Shariati, 2012). در این مورد، دانشگاه اسلامی در افق‌های بلند خود، به دنبال فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی از طریق تولید دانش و تربیت انسان‌های عالم، عمل‌گرا و پایبند به ارزش‌هاست؛ امری که همه خطوط آن به خدا و رضایت او ختم می‌شود. در این دانشگاه، بر فطرت و نهاد پاک انسان‌ها تکیه می‌شود و بر عوامل درونی بیش از عوامل بیرونی در آموختن تأکید می‌گردد. بنابراین، در این دانشگاه، آموزش پرداخت زکات علم و یادگرفتن واجب عینی قلمداد می‌شود (Fazlolahi and Hyderzadeh, 2015).

از سوی دیگر، توسعه دانشگاه اسلامی بستر و زمینه‌ای برای خدمت به تحقق ایران توسعه‌یافته به‌مثابه جامعه‌ای اسلامی است. زیرا دانشگاه اسلامی دارای اهدافی والا همچون قرب الهی، ملکات علمی و فضایل اخلاقی، اجتماعی نمودن انسان، تربیت انسان‌هایی نقاد، متفکر و متخصص، گسترش مرزهای دانش و سازگاری انسان و محیط است میرزامحمدی و صحبت‌لو (Mirzamohammadi and SohabT loo, 2007). بنابراین، بر اساس تعالیم اسلامی و قرآن و با توجه به شرایط بومی و فرهنگی ایران اسلامی، می‌بایست دانشگاه‌های کشور را در جهت پیشرفت اسلامی- ایرانی به حرکت درآوریم و به سمت تولید علمی که رنگ و بوی دینی داشته باشد حرکت کنیم. بنا بر اعتقاد جوادلی (Javadi Amoli 2008) دانشگاه محلی است که باید متناسب با فرهنگ جامعه باشد و اگر قرار باشد دانشگاه به نقادی فرهنگی جامعه پردازد باید در وهله اول از دل جامعه بروید. از سوی دیگر، دانشگاه محل تربیت انسان است؛ اما چه انسانی؟ انسانی که در دیدگاه غرب است؛ یعنی انسانی فقط مادی؟! همچنین دانشگاه محل تولید علم است؛ اما علمی که بر اساس جهان‌بینی اسلامی به‌دست آمده باشد. داشتن دانشگاه اسلامی منوط به داشتن علوم اسلامی است و این علم زمانی فراهم می‌شود که اولاً، علم را به حریم هندسه معرفت دینی راه دهیم و چتر را بر سر آن بگسترانیم و ثانیاً، طبیعت را خلقت ببینیم و میان طبیعت شناسی و الهیات، وفاق و آشتی برقرار کنیم (Imani & Shariati, 2012). بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان

گفت که دانشگاه اسلامی با ایجاد خلاقیت و نوآوری در عرصه های مختلف می تواند بر بسیاری از بحران های پیش روی نظامهای آموزشی غلبه و باری از معضلات گریبانگیر بشری را حل کند. در واقع، دانشگاه اسلامی امروزه با تولید علم و دانش بدون نگرش سودگرایانه به آن می تواند در احیای روحیه پژوهش و خلاقیت که در سال های قبل دانشمندان کشور عزیزمان بهره می جستند، نقش حیاتی و مهمی ایفا کند (mohseni zanoze & keshavarz, 2010 البته باید اشاره کرد که تحقق این مهم مستلزم بررسی چالش های توسعه در آن است تا در عرصه رقابت متأثر از پدیده ها و چالشهای آموزش عالی، بتواند عملکرد مناسبی داشته باشد. بر این اساس شناسایی چارچوبی برای شناسایی بهتر چالش های توسعه دانشگاه اسلامی بیش از پیش احساس می شود. حال با توجه به مطالب مذکور، در این پژوهش ترکیبی، چارچوب مفهومی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی، مشتمل بر ۳ بعد نهادی، اجرایی و فنی با مؤلفه ها و شاخصهای مربوط به هر بعد، توسعه و اعتبار آن تأیید شد. در سطح نهادی، تامین هماهنگی و همسازی بین سازمان و جامعه بزرگ تر کارکرد اصلی را تشکیل می دهد. هدف های و ارزش های سازمان می بایست با ارزش های جامعه هماهنگی داشته باشد. برقراری این هماهنگی وظیفه سطح نهادی است. سطح مدیریتی اشاره دارد به اداره امور سازمان و تهیه منابع و امکانات مورد نیاز سطح فنی. این سطح به عنوان واسطه بین سیستم فنی و مشتریان سازمان عمل می کند. در این سطح اساسا اداره کنندگان، مجریان حضور دارند. در سطح فنی، هدف های مبهم سازمان به فعالیت هایی که برای رسیدن به هدف طرح ریزی شده، تبدیل می شود. این سه بعد در ارتباط با هم شکل گرفته و تغییر در هر کدام تغییر در ابعاد دیگر را در پی دارد. همین ویژگی درباره مؤلفه های هر یک از ابعاد مذکور نیز صادق است. چارچوب یاد شده (جدول ۱) می تواند به عنوان مبنایی برای شناسایی چالش های و توسعه و تحقق دانشگاه اسلامی و تولید دانش بومی مد نظر قرار گیرد. هر چند در حوزه دانشگاه اسلامی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است ولی بر اساس مدلی که ذکر آن رفت در این تحقیق به خوبی می توان چالش های پیش رو را شناسایی و تصویری از چالش های موجود و آتی را به نمایش گذاشت. در ادامه به منظور اعتباریابی چارچوب از روش تحلیل عامل تاییدی استفاده گردید که نتایج حاکی از روایی و پایایی مطلوب مدل می باشد.

بنابراین ضروری است که مدیران و مسئولان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به اطلاعاتی پیرامون چیستی و چگونگی چالش های توسعه دانشگاه اسلامی در قالب یک نظام سیستمی اثربخش دسترسی داشته باشند تا زمینه تحقق توسعه دانشگاه اسلامی را فراهم آورند. از این رو شناسایی چالش های پیش رو و تلاش برای توسعه و تحول دانشگاه اهمیت و ضرورت

می‌یابد؛ آن گونه که دانشگاه بتواند با برخورداری از سطحی بالا از انسجام و درست کاری سیستمی مأموریت، اهداف و ارزش‌های خود را به گونه‌هایی محقق کند که پاسخی مناسب به شرایط و مقتضیات محیطی باشد. به نظر می‌رسد چنین ویژگی‌هایی (سلامت سازمانی) می‌تواند در الگوی مطلوب دانشگاه اسلامی به نحو احسن تحقق یابد (Torkzade and Moini, 2015).

استقرار و تحقق مطلوب این چارچوب مستلزم توجه به مواردی به شرح زیر در دانشگاه اسلامی است:

- طراحی و اجرای اقدامات اثربخش به منظور ذخیره‌سازی و پشتیبانی تلاش‌های توسعه و تحقق دانشگاه اسلامی. البته در این زمینه کیفیت اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و انجام فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به شکل‌گیری و توسعه دانشگاه اسلامی می‌بایست مد نظر قرار گیرد.

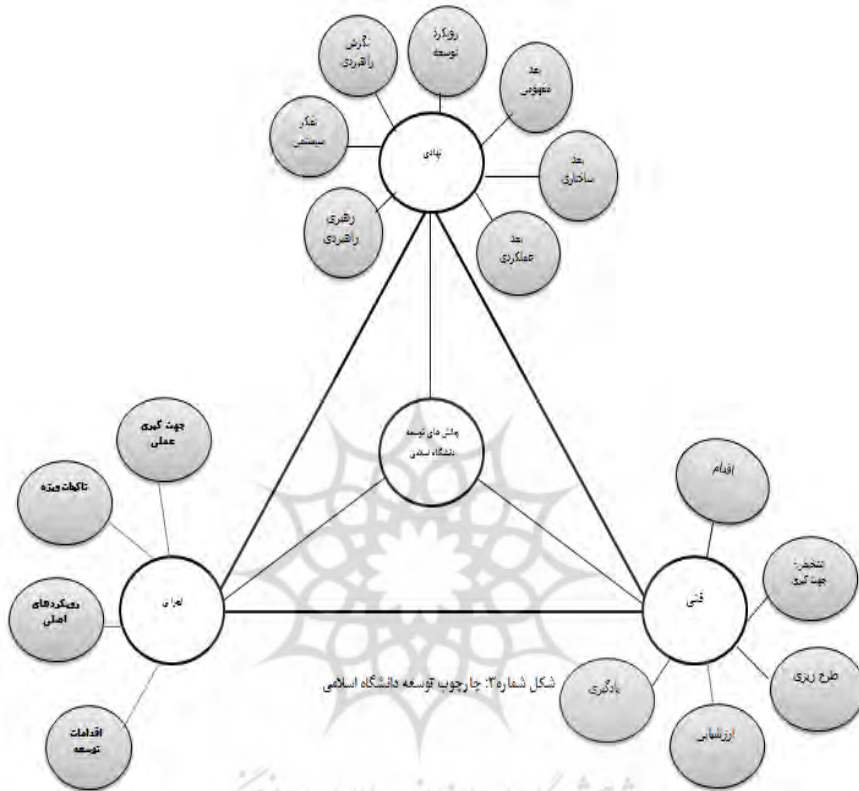
- جهت‌گیری‌ها مبتنی بر تشخیص‌های موقعیتی در جهت پیشبرد توسعه دانشگاه اسلامی باشد و ضمن استفاده بهینه از همه منابع دانشگاهی (انسانی، مالی، مادی...) در مسیر توسعه دانشگاه اسلامی به توسعه طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی برای توسعه دانشگاه اسلامی متناسب با شرایط و مقتضیات حال و آینده درونی و بیرونی دانشگاه پرداخته شود.

- حمایت و پشتیبانی رهبران و مدیران ارشد دانشگاه‌ها مدیران عالی و ارشد دانشگاه تحقق و توسعه دانشگاه اسلامی در این زمینه حائز اهمیت است.

- متولیان در رابطه با چپستی و چگونگی دانشگاه اسلامی و رویکردهای توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی به اتفاق نظر برسند و حوزه تمرکز، قلمرو فعالیت‌های توسعه سازمانی دانشگاه اسلامی در مقایسه با سایر دانشگاهها مشخص شود. البته لازم است به دیدگاه‌های مشترک در رابطه با ارزش‌های اساسی و کارکردی دانشگاه دست یابند.

به طور کلی با توجه به این که رهبری راهبردی به عنوان تأثیرگذارترین در سازمان است، می‌توان گفت مدیران و مسئولان دانشگاه خصوصاً در گروه‌های آموزشی به عنوان رهبر باید قادر باشند اهداف را برای افراد مشخص کنند و در سازمان، محیطی برای تحقق اهداف فراهم کنند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از توسعه چشم انداز آینده جهت را مشخص کرده و برای رسیدن به آن چشم انداز به توسعه راهبردها برای ایجاد تغییرات لازم بپردازند. در نهایت با ایجاد انگیزه و الهام بخشی به افراد برای تغییر، انرژی لازم را فراهم آورند و در نهایت اثربخشی و عملکرد افراد و سازمان را ارتقا بخشند.

در ادامه چارچوبی نهایی پژوهش ارائه شده است:



شکل شماره ۳: چارچوب توسعه دانشگاه اسلامی

شکل شماره ۳: چارچوب توسعه دانشگاه اسلامی

رتال جامع علوم انسانی

References

- Abbaspour; Abbas & Aghazadeh; Ahmad, bagheri kerachi, Amin (2013). Planning The Organizational Agility Model at Universities. Journal of Management Studies in development and evolution. , Vol 19, Issue 69, pp 171-217.
- Alam al-Hoda, Ahmed (2004). Islamicization of universities. Islamic University. Vol 1. Pp 21-29.
- Arasteh, Hamid Reza; Fazeli Masouleh, Tahereh (2011). Rankings and features of the world's top universities. Iran Engineering Education. 13, No. 52, pp. 87 - 101.
- Crossan, Mary., Vera, Dusya., & Nanjad, Len. (2008). Transcendent leadership: Strategic leadership in dynamic environments. The leadership quarterly, 19(5),pp 569-581.
- Fazlollahi, Seifollah and Heydarzadeh , Maryam (2015). Islamic University; Learner's University (Essentials and Challenges). Journal of Islam and Management Research - vol 4, No 2 .pp 111-134.
- Feyz, Davood and Sharifi , Navid (2009). Designing a conceptual model of Islamic University evaluation using a balanced scorecard model. Culture in the Islamic University, Vol 13. No 2.
- Ghanbari, ciroos and Manafi, Kazem (2016). The Strategic Missions of the Islamic University in the Revolution of Exploitative Culture from Imam Khomeini's Perspective. A quarterly Scientific-Research journal On Islamic Revolution . Vol 6. No. 19, pp 143-169.
- Ghorbani Zadeh Vajhollah, Amini, Mohammad (2015). Idealism and Islamic University Movement. Idealism and Islamic University Movement. Knowledge in Islamic University. Volume 18, Issue 59, Pp 173-194.
- Imani, Mehdi and Shariati, Sadr al-Din (2011). The role of the Islamic-Iranian university in the production of religious science. Knowledge in Islamic University, Vol 15 ,No. 49. pp. 88-100.
- jafare Haftkhani, nader (2018). Islamic Management in the Leading Islamic University; An Introduction to Organizational Leadership of Ayatollah Mahdavi Kani. *Sterategic Management Thought*. Vol 22- pp 5-48.
- Jooste, Candice. & Fourie, Bernard. (2009). The role of strategic leadership in effective strategy implementation: Perceptions of South African strategic leaders. South African Business Review, 13(3), pp 51-68.
- Keshtkar, Mehran , Khalil ,Norouzi(2015). Conceptual Model of Islamic University. Basij Strategic Studies, vol 19, No. 73. Pp5-16.
- Madani , javad ,Hoseinpour , , davod, Yari, masoumeh (2016). Cultural Model of Holly Struggle Based on Religious and Islamic Revolution Principles in Islamic University (Case Study: Tehran AllamehTabatabaee University). Management in tte Islamic university. , Volume 5, Issue 11, Pp 49-70.

- Mahdi, Reza (2014). Future Research in Supreme Education of Islamic University, Adjustable University with Environment. Journal of the knowledge Studies in the Islamic University, **Volume 17, Issue 57** pp. 697 -710.
- Mirzamohammadi, Mohammad Hassan and sohbat loo, Ali (2007). The goals of the Islamic University. Cognitive Studies at Islamic University. No. 33 , Pp 4-19.
- Mohseni Zonouzi, Hashem; Keshavarz, Mohsen(2010). The role of Islamic University in developing students' creative thinking. 13th vol - No 1.PP 82-96.
- Movahedi, Reza; Asgari, Nadia; Chizari, Mohammad (2011). Investigating factors influencing teaching quality and research performance of faculty members. Sciences for the Promotion and Education of Agriculture in Iran, Volume 7, Issue 2, pp. 63
- Rahmati, Mohammad Hossein and Fatemeh Najafi (2012). News Acquisition Resources Among Iran Universities: (A National Survey) . " Management in the Islamic University , , **Volume 1, Issue 4**, Winter and Spring 2013, Pp 619-632
- Torkzadeh and Moini Shahraki, Hajar (2015). A conceptual framework proposition for Islamic university development (Disciplinary science University case study. Organizational Development of Police, vol 12, Issue 2.), Volume 12, Pp 113-134
- Torkzadeh, Jafar (2010). Identify and Analyze the Challenges of Islamic Management Development as a System Model. Yas strategy. No. 19, pp. 131-146.
- **Yaghobi**; Noormohammad & **ahmadnia Chanijani** , Akram (2014). Studying the relationship between the strategic approach of human resource retaining system and employees' organizational commitment. management, economic and accounting public organization management , Volume 2, Issue 3, Pp 49-6
- Zarei Matin, Hassan and Toureh, Nasser (2007).university & Student Identity, Journal of Islamic University, vol 11, No. 3.